

شاخص فلاکت!

شاخص فلاکت!

مشاهیر هر كشوري مفاخر آن كشور هم محسوب ميشوند. قرن بيستم را از اين جهت ميتوان به قرن مشاهيري اطلاق كرد كه تاريخ در آن بر روي شانه غولهايي از حيث قدرت و معرفت و منزلت قرار داشت!

اسطورههاي همچون نلسون ماندلا ، لخ والسا ، الكساندر دويچك، مهاتما گاندي، جواهر لعل نهرو، مارتين لوتركينگ و نهايتا ابرقهرماني مانند روح الله خميني!

كساني كه دشمنان شان نيز با وجود خصومت نافي عظمت و بزرگي ايشان نبودند و هر کدام بنوبه خود فصلي از تاريخ تحولات جهان را با قدرت و قوت بنام خود سند زدند!

عليرغم اين ظاهرا قرن ۲۱ بر خلاف قرن قبل دنياي کوتوله ها است و ديگر بايد حسرت بازتوليد ابرقهرماني در اندازه قهرمانان قرن گذشته را خورد!

آشوب اخير در ايران آخرين نمونه از اين دست است كه علت اش چه ناشي از گراني بنزين مي بود يا موفقيت تحريم هاي ترامپ يا بهانه بابت سريز شدن اعتراض سياسي - اقتصادي بخشهايي از جامعه، اما من حيث المجموع اصرار بخشي از معترضين در بولد كردن آخرين فرزند ذكور پهلوي و متقابلا جوگير شدن «رضاشاه پرين» و نشستن وي بر «توهم رهبري اپوزيسيون» را ميتوان «شاخص فلاكت عقلي» نزد جماعتي اطلاق كرد كه از ميانه فاسدترين و مضحك ترين و مبتذل ترين و بسوادترين مجموعه سلطنت منقرضه پهلوي «رضائي سبك عقل» را معركه گرداني كردند!

معروف است زماني كه اسكندر مقدوني در اوج قدرت مواجه با بيوقعي «ديوژن» در خرابه هاي آتن شد با غرور اعتراف كرد:

اگر اسكندر نبودم دلم ميخواست ديوژن باشم!

حال بايد ديد اين بخش از ايرانيان پله هاي زوال را تا كجا طی كردند كه به «رضاشاه پرين» رسيده اند!

كاش ايران اگر دشمني هم دارد دشمني حائز اهميت باشد! تا ايرانيان با بت اش دچار شرمندگي نباشند!

#داريوش سجادي